

بررسی و توصیف زبان‌شناختی انواع ضمیر در گویش لری کامفیروز

پریسا داوری*^۱

ابراهیم جانی^۲

چکیده

زبان، یک نظام قراردادی (وضعی) منظم از آواها و نشانه‌های کلامی و نوشتاری است و وسیله برقراری ارتباط و تفهیم و تفاهم میان انسانهاست. بشر از زمانی که از توانایی زبان بهره‌مند شد، به وجود زبان‌ها و گویش‌های مختلف پی برد. زبان‌شناسی، مطالعه علمی زبان انسان است. زبان‌شناسی عملی، نام شاخه‌ای از دانش نوینی است که به بررسی شیوه‌ها و تکنیک‌های عملی پژوهش‌های زبانی می‌پردازد و گویش‌شناسی شاخه‌ای از آن به شمار می‌رود. گویش لری کامفیروز متعلق به شاخه زبان‌های ایرانی جنوب غربی است و ساخت دستوری و واژگانی این گویش نشان می‌دهد که از فارسی میانه (پهلوی ساسانی) که خود دنباله فارسی باستان است، منشعب شده است. کامفیروز یکی از مناطق وسیع شهرستان مرودشت در استان فارس است. پژوهش حاضر با تلفیقی از شیوه میدانی و توصیفی و با هدف تحلیل زبان‌شناختی انواع ضمیر در گویش لری کامفیروز فراهم آمده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، انواع ضمیر در این گویش با فارسی معیار شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؛ از جمله، برخی ضمیرهای این گویش با فارسی معیار یکسان است و برای بعضی از انواع ضمیرها از واژه‌های خاصی که مختص این گویش است استفاده می‌شود. گویشوران این گویش به جای ضمیر سوم شخص مفرد (او - وی) از /vo/ و به جای «این» و «آن» به ترتیب از /yo/ و /vo/ استفاده می‌کنند.

کلمات کلیدی: زبان، زبان معیار، گویش‌شناسی، گویش لری کامفیروز، ضمیر

^۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران. (نویسنده مسئول)*

Email: parisa.davarii@gmail.com

^۲. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران.

۱. مقدمه

زبان یکی از جنبه‌های رازآمیز وجود انسان و مهم‌ترین وسیله ارتباطی و احساسی اوست و معمولاً در طول ادوار گذشته و حال، مورد توجه زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان بوده است. «در میان اقوام باستان، یونانیان به زبان توجه ویژه‌ای داشتند و به علت وجود آثار مکتوب به جامانده از گویش‌های یونانی، دانش ما نسبت به گویش‌شناسی یونان باستان، مفصل‌تر از دانش ما نسبت به دیگر زبان‌های باستانی است» (رایبیز، ۱۳۷۱: ۳۱). در تعریف گویش آمده است: «هرگاه دو گونه زبانی بدون آموزش آگاهانه، در حد ایجاد ارتباط معمول برای گویندگان با یکدیگر، قابل فهم باشد، آن دو گونه، دو گویش متفاوت از یک زبان واحد محسوب می‌گردند و در غیر این صورت باید آن‌ها را دو زبان جداگانه دانست» (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۳۴). همچنین در تعریف گویش گفته‌اند: «اصطلاح گویش برای تفاوت‌های تلفظی، دستوری و واژگانی گونه‌های زبانی و اصطلاح لهجه در مورد تفاوت تلفظی آن‌ها به کار می‌رود» (چمبرز و ترادگیل، ۱۹۹۴: ۵).

گویش‌ها و زبان‌های محلی، منابع بسیار غنی و ارزشمندی برای پژوهش‌های زبان، ادبیات، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و تاریخ‌اند و از مسائل مهم در مطالعات زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی به شمار می‌روند. بی‌گمان کار بررسی گویش‌های ایرانی از اهمیت شایانی برخوردار است؛ زیرا گردآوری گویش‌ها و زبان‌های محلی و نیز بررسی عملی آن‌ها می‌تواند به غنای زبان و ادب فارسی کمک شایانی نماید و در ساختن واژه‌های جدید مورد استفاده قرار گیرد.

کشور ما، ایران، به دلیل وسعت، گوناگونی‌های قومی، فرهنگی و زبانی از تنوع زیادی برخوردار است. هر یک از زبان‌ها و گویش‌های محلی ایران مانند کردی، لری، بلوچی، گیلکی و غیره، زبان مادری و بخشی از فرهنگ و هویت قومی گویشوران را تشکیل می‌دهد و بازتابی از رسوم، سنت‌ها، ارزش‌ها، آداب و باورهای یک قوم و ملت و در عین حال بستری جهت انتقال مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر است. بنابراین هر تلاشی که در جهت حفظ و پویایی این گویش‌ها به عمل آید، در واقع گامی است در جهت حفظ و نگهداری از زبان فارسی که زبان ملی و رسمی ماست و نباید آن را عامل تضعیف زبان ملی و بروز احساسات قوم‌گرایانه دانست.

۱-۱. پرسش تحقیق

چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین انواع ضمیر در گویش لری کامفیروز با فارسی معیار وجود دارد؟

۱-۲. فرضیه تحقیق

بین ساخت انواع ضمیر در گویش لری کامفیروز با فارسی معیار تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد.

۳-۱. معرفی کامفیروز

کامفیروز یکی از مناطق بزرگ شهرستان مرودشت در استان فارس است و فاصله تقریبی آن تا شهرستان‌های مرودشت و شیراز به ترتیب ۹۵ و ۹۰ کیلومتر است. این منطقه در قسمت غرب شهرستان واقع شده است که خود به کامفیروز شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. کامفیروز کنونی وسعتی معادل ۱۱۸۳ کیلومتر مربع مشتمل بر ۴۴ روستاست که جمعیتی بالغ بر ۳۶ هزار نفر را در خود جای داده است و مردم آن جا به گویش لری صحبت می‌کنند. در مورد وجه تسمیه این منطقه در فرهنگ دهخدا (۱۳۵۱) آمده است: کامفیروز، نام محلی است در فارس از اینیه فیروز، جد انوشیروان، چون سال‌ها باران نمی‌آمد، او به دعای باران رفته بود. در آن سرزمین باران ببارید و کام او برآمد در آن جا شهری ساخته و «کام فیروز» نام نهاد.

همچنین در جایی دیگر در فارسنامه درباره کامفیروز آمده است: «کامفیروز جایی است در فارس بالای مرودشت. ناحیتی است بر کنار رود کر و بیشه عظیم است. همه درختان بلوط و زعرور و بید و معدن شیران است. چنان که هیچ جایی مانند آن شیران نباشد به شرز و چیرگی، و هوای آن سردسیر است به اعتدال و آب از رود است، آبی خوش‌گوار...» (ابن بلخی (۱۳۶۳: ۱۲۵))

۴-۱. بیان مسأله و ضرورت پژوهش

با نگاهی به اوضاع و احوال جهان در قرون گذشته و وضع احتمالی آن در سده‌هایی که پیش رو داریم، می‌توان به ویژگی بارز جهان که تغییرات و دگرگونی‌های لحظه‌ای آن است، پی برد. بخشی از این دگرگونی‌ها که در سطح اجتماع بشری رخ می‌دهد و قابل رؤیت است و از نگاه تیزبین زبان‌شناسان هم دور نمانده است، تحولات مربوط به زبان است.

«زبان، تحول و دگرگونی همیشگی دارد. تغییر در واژگان، تلفظ، دستور، معنا و تا حدودی تغییر در خط، واقعیتی است ثابت و غیرقابل اجتناب. زبان از زمان پیدایش، در حال دگرگونی بوده و اکنون نیز این روند ادامه دارد و بی‌شک این تحولات زبانی تا هنگامی که انسان وجود دارد، تداوم خواهد داشت. البته یک زبان واحد در همه جا به یک صورت دست‌خوش دگرگونی نمی‌شود. اگر یک زبان در قلمرو سرزمین وسیعی رواج داشته باشد، تغییراتی که در یک منطقه به وجود می‌آید، ضرورتاً به سایر مناطق گسترش نمی‌یابد، در نتیجه با گذشت زمان، تفاوت بین گونه‌های محلی به آهستگی و پیوستگی بیشتر می‌شود» (تراسک، ۱۳۸۲: ۷).

همان‌گونه که اشاره شد زبان‌های قومی و گویش‌ها در ایران مانند دیگر نقاط دنیا در حال زوال و نابودی هستند، بنابراین بررسی و توصیف علمی گویش‌ها ضروری به نظر می‌رسد؛ چرا که بررسی و توصیف گویش‌ها نه تنها برای ثبت و ضبط گفتاری که بر اثر تأثیر رسانه‌های گروهی، همگانی شدن

تحصیلات ابتدایی و مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ، در آینده‌ای نه چندان دور از میان خواهد رفت، سودمند است بلکه از واژگان گویش‌ها می‌توان برای برطرف کردن مشکلاتی که در برخی متون کهن فارسی از نظر درک و فهم دیده می‌شود، بهره برد. بنابراین ثبت و نگارش هر گویش ایرانی از جمله گویش لری کامفیروز می‌تواند در طبقه‌بندی گویش‌های ایرانی مؤثر باشد و همچنین دسته‌بندی آن‌ها بر اساس مرزهای زبانی، تهیه نقشه زبان‌شناختی و اطلس گویش برای کمک به فارسی پژوهان و بسیاری از پژوهشگران مفید خواهد بود. حتی فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز برای واژه‌سازی و جایگزین کردن معادل‌های کهن به جای واژگان دخیل می‌تواند از واژه‌های این گویش‌ها استفاده کند و به آموزش و پرورش برای تدوین کتاب‌های درسی و آموزشی کمک نماید و برای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان مورد استفاده قرار گیرد. پس هر تلاشی که در جهت حفظ و پویایی این گویش‌ها به عمل آید، در واقع گامی است برای حفظ و نگهداری از زبان فارسی که زبان ملی و رسمی ماست. زبان فارسی را باید مانند درختی تنومند در نظر گرفت که گویش‌های محلی ایرانی شاخه‌های آن هستند. گویش لری کامفیروز نیز به دلیل نداشتن ادبیات مکتوب و تحت تأثیر عوامل یاد شده و عوامل دیگر، در آینده نه چندان دور ممکن است به دست فراموشی سپرده شود، بنابراین بررسی و توصیف این گویش، ضروری و لازم به نظر می‌رسد.

۱-۵. پیشینه تحقیق

۱-۵-۱. پژوهش‌های خارجی

اواخر سده نوزدهم میلادی بود که علاقه به مطالعات و پژوهش‌های زبانی سبب گرایش زبان‌شناسان به مطالعه گویش‌ها گردید. پیشینه گویش‌شناسی در جهان نشان می‌دهد که مطالعات علمی گویش‌شناسی از اروپا و آمریکا شروع شد؛ زیرا گویش‌ها و زبان‌های بومی زیادی در آن کشورها وجود داشت و پژوهشگران را برآن داشت تا به مطالعه و بررسی آن‌ها بپردازند و همین موضوع باعث علاقه آن‌ها به مطالعه و بررسی گویش‌های دیگر کشورها از جمله گویش‌های رایج در ایران شد. «در ایالت فارس لهجه‌های بی‌کتابت بسیاری وجود دارد که از لحاظ جغرافیایی طبقه‌بندی شده‌اند. اکثریت قاطع ایرانی‌زبانان فارس به لهجه‌های گوناگون زبان فارسی و دیگر لهجه‌های ایرانی جنوب غربی سخن می‌گویند» (ارانسکی، ۱۳۵۸: ۳۲۱). ارانسکی در کتاب خود با نام «زبان‌های ایرانی»، زبان‌ها و گویش‌های ایران را از نظر تاریخی و لهجه‌شناسی مورد بررسی قرار داد و در این پژوهش‌ها به گویش لری توجه ویژه‌ای نمود.

از دیگر پژوهشگران خارجی که به واکاوی و گردآوری گویش‌ها اقدام کرده، لریمر^۱ (۱۹۹۲) است که به بررسی و گردآوری گویش لری بختیاری پرداخت و نتایج تحقیقات خود را در همان سال در کتابی با عنوان «آواشناسی گویش بختیاری» منتشر کرد. این پژوهش بعدها مورد استفاده دیگر محققان و علاقه‌مندان به گویش‌های ایرانی قرار گرفت و ارانسکی نیز در مقایسه زبان‌های مختلف ایرانی، از واژه‌های همین گویش، استفاده کرد.

۲-۵-۱. پژوهش‌های داخلی

اغلب پژوهش‌های اولیه درباره موضوعات زبانی در کشور ما را اروپاییان انجام داده‌اند. در دو یادداشت با عنوان «فهرست مآخذ و زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی» اثر «راس»، در فرهنگ ایران زمین، دفتر ایران، جلد اول، (۱۳۲۲) و «کتابشناسی زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی» اثر «افشار» در فرهنگ ایران‌زمین، دفتر اول، جلد سوم، (۱۳۳۴)، فهرست کاملی از پژوهش‌هایی که بر روی گویش‌های ایرانی صورت گرفته، آمده است. یارشاطر (۱۳۷۳)، گستره گویش‌های ایرانی را سرزمین وسیعی می‌داند که از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان، از مغرب به بین‌النهرین و ارمنستان و از شمال به کوه‌های قفقاز و صحرای آسیای مرکزی محدود می‌شده است. زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی یکی از متنوع‌ترین دسته‌های زبان هند و اروپایی به شمار می‌رود که هنوز دامنه پژوهش در چگونگی صورت‌های مختلف آن به پایان نرسیده است. شاید بتوان گفت نخستین کسی که با رعایت موازین علمی به گردآوری و بررسی گویش‌های ایرانی از جمله آذری، آشتیانی، گرگانی و ... همت گماشت، صادق کیا بود. وی نخستین کتاب خود را به عنوان راهنمای گردآوری گویش‌ها در سال ۱۳۴۰ منتشر کرد. البته دانشوران و گویشوران محلی نیز کارهایی در زمینه گویش لری انجام داده‌اند که بیشتر به واژه‌نامه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و فرهنگ عامه و اشعار محلی محدود می‌شود. به برخی از کسانی که در زمینه گویش‌ها، پژوهش کرده‌اند اشاره می‌شود:

- ایزدیناه (۱۳۶۲): بررسی داستان‌ها و ضرب‌المثل‌های رایج در بین مردم لرزبان
- مقیمی (۱۳۷۰): بررسی و توصیف همخوان‌ها و واکه‌های، واحدهای زبرزنجیری و ساختمان دستوری گویش لری بویراحمدی
- گرامی (۱۳۷۱): توصیف دستگاه واجی و همخوان‌ها و واکه‌های گویش لری بویراحمدی، لهجه باشتی
- رضوی وانانی (۱۳۸۷): بررسی و توصیف زبان‌شناختی گویش وانان چهارمحال و بختیاری
- فلاحی (۱۳۸۳): توصیف و بررسی زبان‌شناختی گویش دشتکی

۱. Lorimer

بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تاکنون درباره گویش لری کامفیروز تحقیق علمی و مدوئی از منظر زبان‌شناسی انجام نشده است. این تحقیق اولین پژوهشی است که از این دیدگاه به بررسی و توصیف انواع ضمیر در این گویش می‌پردازد.

البته نویسنده دوم این مقاله، در آذرماه سال ۱۳۸۹ مقاله‌ای با عنوان «بررسی فعل در گویش لری کامفیروز» در همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران که در دانشگاه سمنان برگزار شد، ارائه کرده است.

۲. بحث

۲-۱. ضمیر^۱

« ضمیر بر حسب صورت آوایی و نیز ویژگی‌های صرفی و نحوی آن در دسته‌های ضمیر شخصی، ضمیر مشترک انعکاسی و تأکیدی، ضمیر متقابل، ضمیر اشاره، ضمیر پرسشی و ضمیر نامشخص قرار می‌گیرد» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۶: ۱۷۵). در زبان فارسی ضمیر به عنوان واژه‌ای دستوری، تنها به شخص و شمار اشاره دارد و همواره دارای مرجع است. در کتاب‌های دستور زبان فارسی، ضمیر به انواع مختلفی تقسیم شده است که در اینجا به یکی از تقسیم‌بندی‌ها اشاره می‌شود و پژوهش حاضر بیشتر بر اساس تقسیم‌بندی اخیر است.

۲-۱-۱. ضمیر شخصی^۲

ضمیرهای شخصی به دو دسته تقسیم می‌شوند: متصل (پیوسته) و منفصل (گسسته) (شریعت، ۱۳۷۲: ۲۳۴).

ضمایر شخصی در گویش لری کامفیروز نیز به همین دو نوع مذکور تقسیم شده است:

۲-۱-۱-۱. ضمایر شخصی جدا (گسسته):

شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
مفرد	/mo/ «من»	/to/ «تو»	/vo/ «او»
شمار	/mā/ «ما»	/šomā/ «شما»	/ʔungal/ «آن‌ها»
جمع			

1. pronoun

2. personal pronoun

مثال:

معادل لری	معادل فارسی	شمار
/mo ?i-ram/	من می‌روم	مفرد
/to ?i-rey/	تو می‌روی	
/vo ?i-ra/	او می‌رود	
/mā ?i-reym/	ما می‌رویم	جمع
/šomā ?i-reyt/	شما می‌روید	
/?ungal ?i-ren/	آن‌ها می‌روند	

اگر هسته، ضمیر شخصی جدا (گسسته) باشد، بدون وابسته خواهد بود. ضمائر شخصی جدا هرگاه پس از حرف اضافه /va/ (به/ از) بیایند، در عناصر مفرد هیچ تغییری صورت نمی‌گیرد ولی در صورت‌های جمع به دو صورت ظاهر می‌شود:

/va-mo/	از/ به من
/va-to/vat/	از/ به تو
/va-vo/vaš/	از/ به او
/va-mā/	از/ به ما
/va-šomā/	از/ به شما
/va-?ungal/	از/ به آن‌ها

۲-۱-۲. ضمیر شخصی پیوسته

در این گویش شش ضمیر شخصی پیوسته وجود دارد و چنان‌که از نام آن‌ها بر می‌آید همواره به واژه پیش از خود می‌چسبند و اصطلاحاً این ضمائر را «واژه بست» می‌نامند (شقایق، ۱۳۸۶: ۷۳).

شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
شمار	مفرد	/-m/ «م-»	/-š/ «ش-»
	جمع	/-mu(n)/ «مان-»	/-šu(n)/ «شان-»

هرگاه ضمیرهای شخصی متصل به واژه مختوم به واکه (مصوت) اضافه شود، به صورت بالا خواهند بود.

مثال:

معادل لری	معادل فارسی	شمار
/gām/	گاوم	مفرد
/gāt/	گaut	
/gāš/	گاووش	
/gāmu(n)/	گاومان	جمع
/gātu(n)/	گautان	
/gāšu(n)/	گاووشان	

هرگاه این ضمیرها به واژه مختوم به همخوان (صامت)، پیوندند به صورت زیر ظاهر می‌گردند:

سوم شخص	دوم شخص	اول شخص	شخص	شمار
/-eš/	/-et/	/-om/	مفرد	
/-ešu(n)/	/-etu(n)/	/-emu(n)/	جمع	

مثال:

معادل لری	معادل فارسی	شمار
/da:som/	دستم	مفرد
/da:set/	دستت	
/da:seš/	دستش	
/da:semu(n)/	دستمان	جمع
/da:setu(n)/	دستتان	
/da:sešu(n)/	دستشان	

از این ضمیرها با عنوان «ضمیر ملکی» نیز می‌توان یاد کرد.

۳-۱-۲. کاربرد ضمیر شخصی پیوسته

ضمیرهای یاد شده، چهار نوع کاربرد دارند که به شرح زیر است:

- به اسم، ضمیر مشترک و ضمیر مبهم می‌پیوندند و مضاف‌الیه واقع می‌شوند.

مثال:

/hamaš käre vo bi(d)/ همه‌اش کار او بود.

/xoṭ bāyat berey/ خودت باید بروی.

/hunama xarāb kerd/ خانه‌ام را خراب کرد.

-به حرف اضافه می‌پیوندند و متمم قرار می‌گیرند.

مثال:

/vo bā mā ?i ra/ او با ما می‌رود.

-به فعل گذرا می‌پیوندند و مفعول واقع می‌شوند.

مثال:

/mo vona bordem/ من آن را بردم.

-بعد از عنصر غیر فعلی در افعال پیشوندی و مرکب می‌آیند و مفعول می‌گیرند.

مثال:

/seylom ?i kone/mone seyl ?i kone/ مرا نگاه می‌کند.

/vona vāz ?i kerdom/ آن را باز می‌کردم.

۲-۱-۲. ضمیر مشترک^۱

ضمیر مشترک در گویش لری کامفیروز مانند فارسی معیار شش عضو دارد که هرکدام از آن‌ها معمولاً، از ترکیب ضمیر مشترک «خو» /xo/ که همان «خود» /xod/ فارسی معیار است، به ضمیرهای شخصی پیوسته حاصل می‌شود. این ضمائر عبارتند از:

شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
شمار	مفرد	«خودم» /xom/	«خودت» /xot/
	جمع	«خودمان» /xomu(n)/	«خودشان» /xošu(n)/

«ضمیر مشترک با دو گونه نقش یا رابطه دستوری متفاوت به کار می‌رود: یکی با رابطه دستوری مفعول

^۱ .common pronoun

صریح هم‌مرجع با نهاد و دیگری با مفهوم «تأکید» که در آن هم‌مرجع بودن با نهاد بی‌تأثیر است. به ضمیر مشترک هم‌مرجع با نهاد، ضمیر مشترک انعکاسی و به طور خلاصه «ضمیر انعکاسی» و به ضمیر مشترک با مفهوم تأکید، ضمیر مشترک تأکیدی یا «ضمیر تأکیدی» گفته می‌شود» (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

۲-۱-۲-۱. ضمیر مشترک تأکیدی (ضمیر تأکیدی)^۱

شمار	معادل فارسی	معادل لری
مفرد	من خودم شنیدم	/mo xom ?ešnoftom/
	تو خودت شنیدی	/to xot ?ešnofti/
	او خودش شنید	/vo xoš ?ešnoft/
جمع	ما خودمان شنیدیم	/mā xomu(n) ?ešnoftim/
	شما خودتان شنیدید	/šomā xotu(n) ?ešnoftin/
	آن‌ها خودشان شنیدند	/?ungal xošu(n) ?ešnoften/

۲-۱-۲-۲. ضمیر مشترک انعکاسی (ضمیر انعکاسی)^۲

به ضمیری که با روابط دستوری مفعول صریح، هم‌مرجع با نهاد است، ضمیر انعکاسی گفته می‌شود. ضمیر مشترک انعکاسی در نقش مفعول صریح:

شمار	معادل فارسی	معادل لری
مفرد	من خودم را بخشیدم	/mo xom-a- baxšidom/
	تو خودت را بخشیدی	/to xot-a- baxšidi/
	او خودش را بخشید	/vo xoš-a- baxšid/
جمع	ما خودمان را بخشیدیم	/mā xomun-a- baxšidim/
	شما خودتان را بخشیدید	/šomā xotun-a- baxšidin/
	آن‌ها خودشان را بخشیدند	/?ungal xošun-a- baxšiden/

^۱ .emphatic pronoun

^۲ . reflexive pronoun

ضمیر مشترک انعکاسی در نقش متمم حرف اضافه‌ای:

شمار	معادل فارسی	معادل لری
مفرد	یک چای برای خودم ریختم	/ya čey si xom rextom/
	یک چای برای خودت ریختی	/ya čey si xot rexti/
	یک چای برای خودش ریخت	/ya čey si xoš rext/
جمع	یک چای برای خودمان ریختیم	/ya čey si xomu(n) rextim/
	یک چای برای خودتان ریختید	/ya čey si xotu(n) rextin/
	یک چای برای خودشان ریختند	/ya čey si xošu(n) rexten/

۳-۱-۲. ضمیر اشاره^۱

ضمیر اشاره شامل دو واژه «این» و «آن» و همچنین ترکیبات آن دو است. ضمیرهای اشاره در این گویش چنین‌اند:

این (اشاره به نزدیک) /yo/

آن (اشاره به دور) /vo/

ضمیر اشاره جمع در این گویش با تغییراتی آورده می‌شوند.

/?ingal/	این‌ها	جمع ضمیرهای اشاره
/?ungal/	آن‌ها	

همین /hamyo/ و همان /hamvo/ از دیگر ضمیر اشاره در این گویش هستند.

گاهی این ضمیرها به صورت مفعول در جمله ظاهر می‌شوند.

مثال:

این را بگیر. /yo na beger/

۴-۱-۲. ضمیر پرسشی^۲

معروف‌ترین ضمیرهای پرسشی در گویش لری کامفیروز عبارتند از:

^۱ . demonstrative pronouns

^۲ .question pronouns

/če/	چه؟
/ki/	کی؟ (چه کسی؟)
/key/	کی؟ (چه وقت؟)
/kowaki/kina/	کدام را؟ چه کسی را؟
/čand/čan/čeqar/	چند؟ چقدر؟
/koja/	کجا؟
/četowr/četowri/četa:ri/	چگونه؟ چگونه؟

مثال:

/če ?iguy/	چه می‌گویی؟
/vo kiye/	او کیست؟
/koja ?iran/	کجا می‌روند؟
/čan kor dāri/	چند پسر داری؟

۵-۲-۱. ضمائر متقابل^۱

واژه‌های «همدیگر» و «یکدیگر» که در نقش مفعول و متمم، متمم قیدی هم‌مرجع با نهاد یا مضاف‌الیه آن‌ها به کار می‌روند، ضمیر متقابل نام دارد (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۰: ۱۰۲).
ضمائر متقابل این گویش عبارتند از: /yakdo/ «یکدیگر»، /hamdo/ «همدیگر».

مثال:

/bačeyal yakdo na ?izaden/	بچه‌ها یکدیگر را می‌زدند.
/?ungal hamdo na ?ixān/	آنان همدیگر را دوست دارند.
/va huneye hamdo ra:tim/	به خانه همدیگر رفتیم.
/huneye yakdo na didim/	خانه یکدیگر را دیدیم.

ضمائر متقابل در نقش متمم حرف اضافه‌ای نیز در جمله ظاهر می‌شوند.

مثال:

/va yakdo go:tim/	به یکدیگر گفتیم.
/bā (boy/poy) hamdo gap zadim/	با همدیگر سخن گفتیم.

^۱.mutual pronouns

۶-۱-۲. ضمایر مبهم^۱ (نامشخص)

مبهمات، کنایاتی هستند که در معانی آن‌ها یک نوع ابهام دیده می‌شود (خیامپور، ۱۳۹۲: ۳۳) معمولاً ضمایر مبهم در گویش لری کامفیروز عبارتند از:

/hama/	همه
/harka/	هرکه
/bahmun/bahmuni/	بهمان / بهمانی
/felun/feluni/	فلان / فلانی
/hič/	هیچ
/ba:zi/	بعضی
/čan/	چند

مثال:

/hama ra:ten/	همه رفتند
/ba:zi veysāden/	بعضی ایستادند
/feluni-ye- diom/	فلانی را دیدم
/čan boz ?esa/	چند بز خرید
/mo hiči na sa?om/	من هیچ نخریدم

۳. نتیجه‌گیری

گویش لری کامفیروز از جمله گویش‌های جنوب غربی ایران است. این گویش نیز مانند بیشتر گویش‌های ایرانی به دلیل نداشتن ادبیات مکتوب در معرض نابودی است و ثبت و نگارش هر گویش ایرانی از جمله گویش لری کامفیروز می‌تواند در طبقه‌بندی گویش‌های ایرانی مؤثر باشد. همچنین دسته‌بندی گویش‌ها بر اساس مرزهای زبانی، تهیه نقشه زبان‌شناختی و اطلس گویش، برای کمک به فارسی‌پژوهان و بسیاری از پژوهشگران مفید خواهد بود و حتی می‌توان برای برطرف کردن دشواری‌هایی که در بعضی متن‌های کهن فارسی که فهم آن‌ها دشوار است، بهره برد.

بررسی و توصیف این گویش می‌تواند منبع مهمی برای پژوهش در علوم دیگر از جمله مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و غیره باشد و از راه شناخت زبان‌ها و گویش‌های خویشاوند، می‌توان به رابطه آن‌ها با یکدیگر پی برد. در این پژوهش، ضمیرهای شخصی، مشترک، اشاره، پرسشی، متقابل و مبهم مورد

^۱. general pronouns

بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ساخت انواع ضمیر در گویش لری کامفیروز با برخی از ضمیرهای فارسی معیار یکسان است ولی در ساخت برخی از ضمیرها واژه‌هایی در این گویش وجود دارد که گویشوران از آن‌ها بهره می‌گیرند. گویشوران این گویش به جای ضمیر شخصی سوم شخص مفرد (او - وی) از /vo/ استفاده می‌کنند. کاربرد /va/ به جای حروف اضافه «از» و «به»، هنگامی که به ضمیر شخصی متصل می‌شوند در این گویش دیده می‌شود. در این گویش برای اشاره به نزدیک و دور در حالت مفرد به ترتیب از /yo/ و /vo/ استفاده می‌گردد. برای جمع بستن ضمیر اشاره «این» و «آن» از نشانه جمع /gal/ که به پایان ضمیرهای یادشده اضافه می‌گردد، استفاده می‌شود.

منابع

۱. کتاب‌ها

- ابن بلخی، (۱۳۶۳)، فارسنامه ابن بلخی، به اهتمام کای لیسترانج و آلن نیکلسون، چاپ دوم، تهران: نشر دنیای کتاب.
- ارانسکی، ای. م. (۱۳۷۸)، زبان‌های ایرانی، ترجمه علی اشرف صادقی، تهران: انتشارات سخن.
- ایزدپناه، حمید، (۱۳۶۲)، داستان‌ها و زبان‌دهای لری، تهران: انتشارات خواجه.
- تراسک، آر، ال، (۱۳۸۲)، تحول زبان، ترجمه ارسلان گلفام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حق‌شناس، علی‌محمد، (۱۳۸۴)، آواشناسی (فونتیکی)، تهران: نشر آگه.
- خیامپور، عبدالرسول، (۱۳۹۲)، دستور زبان فارسی، تبریز: انتشارات ستوده.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۵۱)، لغت‌نامه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رایبیز، آر. اچ، (۱۳۷۰)، تاریخ مختصر زبان‌شناسی، ترجمه علی محمد حق‌شناس، تهران: انتشارات کتاب‌ماد.
- شریعت، محمد جواد، (۱۳۷۲)، دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات اساطیر.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۶)، مبانی صرف، تهران: انتشارات سمت.
- مدرسی، یحیی، (۱۳۶۸)، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- مشکوة الدینی، مهدی، (۱۳۸۶)، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

- وحیدیان کامیار، نقی و عمرانی، غلامرضا (۱۳۸۰)، دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات سمت.

- یارشاطر، احسان، (۱۳۷۳)، «زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی»، مقدمه لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲. پایان نامه‌ها

۱- رضوی وانانی، معصومه، (۱۳۸۷)، بررسی و توصیف زبان‌شناختی گویش وانان چهارمحال و بختیاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات فارس.

۲- فلاحی، محمدهادی، (۱۳۸۳)، بررسی زبان‌شناختی گویش دشتکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

۳- گرامی، شهرام، (۱۳۷۱)، توصیف ساختمانی گروه فعلی و اسمی در گویش لری بویراحمدی لهجه باشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی

۴- مقیمی، افضل، (۱۳۷۰)، توصیف ساختمان دستوری گویش لری بویراحمدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

۳. مجلات

۱- جانی، ابراهیم، (۱۳۸۹)، «توصیف ساختمان فعل در گویش لری کامفیروز»، سمنان، نخستین همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق ایران.

۴. منابع لاتین

-Chambers, J.K & Trudgill, P. (1994). *Dialectology*. Cambridge: Cambridge University Press.

-Ferguson .C.A. (1959). *Diglossia*. Word 15: 325-40.

-Lorimer, D. L. R. (1992). *The Phonology of the Bakhtiari, Badakhshani, Madaglashti Dialects of Modernpersian*. London: Royal Asiatic Society.